

احساس عدالت و عوامل اجتماعی مرتبط با آن

محمود نوایی لواسانی*، رحمت‌اله صدیق سروستانی**، محمدجواد زاهدی مازندرانی***

مقدمه: عدالت از مفاهیم بنیادی زندگی اجتماعی انسان است. در این مطالعه، با استفاده از نظریه عدالت جان راولز، عدالت به سه متغیر آزادی‌های اساسی برابر و فرصت‌های اجتماعی برابر و اصل تمایز تفکیک شده و نگرش افراد به این متغیرها سنجش شده است. روش: این تحقیق با روش پیمایشی انجام شد و واحد تحلیل آن فرد است. جامعه آماری را افراد ۱۸ سال و بزرگ‌تر ساکن شهر تهران تشکیل دادند که با استفاده از فرمول کوکران ۴۲۸ نفر برای نمونه انتخاب شدند. نمونه‌گیری از همه مناطق ۲۲گانه شهر تهران، متناسب با حجم آن‌ها به صورت تصادفی انجام و با استفاده از پرسش‌نامه و به شیوه مصاحبه، اطلاعات مدنظر گردآوری شد. از آزمون تی، همبستگی و رگرسیون برای بررسی داده‌ها استفاده شد.

یافته‌ها: میانگین احساس عدالت در میان پاسخ‌گویان ۱۰/۷۹۶ بود که بیشتر از حد متوسط شاخص (۸/۳۳۵) است. بین احساس عدالت و پایگاه اجتماعی اقتصادی افراد، احساس محرومیت نسبی و میزان احساس عدالت و بین جهت‌گیری ارزشی افراد و میزان احساس عدالت رابطه وجود دارد. بین احساس عدالت و احساس عزت نفس هم‌بستگی ضعیفی به دست آمد.

بحث: اگر قرار است اصول عدالت مطابق قراردادی عمومی شکل گیرد، برای برقراری احساس عدالتی متوازن در جامعه، باید همه افراد فارغ از پایگاه اجتماعی اقتصادی، این مقدمات و اصول و نحوه اجرای آن را بپذیرند.

کلیدواژه‌ها: آزادی‌های اساسی، احساس عدالت، اصل تمایز، فرصت‌های اجتماعی.

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۶/۱۸ تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۱/۲۰

* کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور. <navaeilavasani@gmail.com> (نویسنده مسئول).

** دکتر جامعه‌شناس، دانشگاه تهران.

*** دکتر جامعه‌شناس، دانشگاه پیام نور.

مقدمه

در بررسی مسائل اجتماعی، همیشه می‌توان ذهنیت کنش‌گران را از وجوه اصلی ایجاد و بروز مسئله دانست. بسیاری مسائل اجتماعی، قبل از آن‌که به صورت عینی در جامعه همه‌گیر شود، به لحاظ ذهنی دل‌مشغولی افراد آن جامعه می‌شود و زمانی این مسائل زمینه‌ساز بروز بحران اجتماعی می‌شود که ذهنیت‌های منفرد تبدیل به احساس خودآگاه جمعی شود. این ذهنیت از دو جهت اهمیت دارد: یکی تبدیل مسائل و دغدغه‌های فردی به مسائل اجتماعی است که در این باره، نیزبت^۱ معتقد است مسئله اجتماعی شیوه‌ای از رفتار است که توسط بخش درخور توجهی از افراد جامعه، ناقض یک یا چند هنجار پذیرفته شده و عام جامعه شناخته شود (معیدفر، ۱۳۷۹)؛ دوم با توجه به این‌که دانستن و پذیرفتن اصول عدالت توسط مردم و باور عموم به رعایت این اصول از شرایط جامعه‌سازمان است (راولز، ۱۳۸۷)، این ذهنیت مقدمه درک همگانی از عدالت و شکل‌گیری احساس عدالت یا بی‌عدالتی در جامعه است. تردیدی نیست که عوامل بروز بی‌عدالتی در جامعه از مسائل عینی نشئت می‌گیرد (واعظی، ۱۳۸۴)؛ لکن وجود عدالت به مثابه ارزش اجتماعی (بیرو، ۱۳۷۵) همیشه با قضاوت‌ها و نگرش‌های مختلف افراد جامعه مواجه است که این برداشت‌ها مفاهیم «احساس عدالت» یا «احساس بی‌عدالتی» را در آن‌ها شکل می‌دهد (میکولا، ۲۰۰۱). احساس عدالت، درحقیقت برآیندی از ذهنیت (نظر) و عینیت (عمل) در حوزه عدالت است. در جامعه، مردم قاعدتاً آشنایی کاملی با نظریه‌های عدالت ندارند؛ لیکن هر فرد براساس آموزه‌ها و تجربه‌هایی که در زندگی کسب می‌کند، در ذهن خود به نتیجه‌گیری خاصی درباره عادلانه یا ناعادلانه بودن ابعاد مختلف جامعه می‌رسد. دوگی، از متفکران مشهور در زمینه حقوق عمومی در فرانسه، معتقد است عدالت مفهومی است که انسان در مقابل پدیده‌های اجتماعی، آن را در ضمیر خود احساس می‌کند. این تعریف دو نتیجه همراه دارد؛ اول این‌که عدالت پدیده اجتماعی است و دوم این‌که مردم‌اند

1. Nisbet

2. Mikula

که درباره آن باید داوری کنند (کاتوزیان، ۱۳۸۷). به این ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که عدالت برآمده از ساخت جامعه و زندگی اجتماعی است و عامل به وجود آمدن حس عدالت در باور مردم می‌شود و متقابلاً باور مردم ممکن است به تحقق عدالت بینجامد و پایه بسط عدالت در جامعه باشد. در این تحقیق، سعی شد شاخص‌های اساسی احساس عدالت در جامعه، با استفاده از مؤلفه‌های نظریه عدالت راولز تبیین شود. پرسش اساسی این است: میانگین احساس عدالت در جامعه چقدر است و آیا این میانگین با عواملی همچون پایگاه اجتماعی اقتصادی، جهت‌گیری ارزشی، عزت نفس و احساس محرومیت نسبی افراد و همچنین سن و جنسیت و سایر عوامل زمینه‌ای آن‌ها رابطه دارد؟ انجام دادن این تحقیق در جامعه معاصر ایران، چه ضرورتی دارد؟ مفهوم عدالت به رغم تعاریف و تعابیر مختلف، همیشه به مثابه شاخص اصلی کارآیی و موفقیت دولت‌ها و حکومت‌ها بررسی شده است. جامعه ایران نیز مستثنا نبوده و در برهه‌های مختلف، دولت‌های مختلف بر این مهم تأکید کرده‌اند که عدالت هدف اصلی آن‌هاست. مردم ایران از دیرباز به عدالت حساس بوده و بسیاری تحولات جامعه از این مسئله نشئت گرفته است. در جهان‌بینی خیمه‌ای عصر باستان که نظامی سلسله مراتبی را در خود جای داده است، این‌طور تلقی می‌شد که طبیعت همه چیز را موزون و در جای خود و براساس استعداد و کار ویژه آن‌ها آفریده است. بنابراین این نظم الهی مقدس شمرده می‌شد. بر این اساس، عدالت به حالتی اطلاق می‌شد که این نظم مقدس حفظ شده باشد و هر چیز به جای خویش نیکو و هر کس در شأن و مقام متناسب خود قرار گیرد (رجایی، ۱۳۷۳). بنابراین وقتی انوشیروان در مقام شاه که وظیفه او برقراری عدالت است، قیام مزدک را که با هدف بر هم زدن سلسله مراتب اجتماعی و جابه‌جایی طبقاتی صورت گرفت سرکوب می‌کند و پس از آن اصلاحاتی در جامعه صورت می‌دهد، به دادگری معروف می‌شود (اصیل، ۱۳۸۱). صرف‌نظر از نوع نگاه به عدالت و تعریف آن، شهرت افراد معروف به عادل و محل تفریح بودن ستمگران، نوع نگاه ایرانیان را به این مقوله نمایان می‌سازد. در جهان‌بینی اسلامی نیز

عدالت اساس حکومت حاکمان و رفتار فردی افراد است. امیرالمؤمنین علی (ع) در خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه ره آورد عدالت رهبر را پایداری سنت پیامبر و اصلاح روزگار و امیدواری مردم در تداوم حکومت بیانی کند و در حکمت ۳۱، عدل را یکی از چهار ستون ایمان می داند.

جامعه امروزی ایران، درحقیقت، وارث عقاید دوران باستان و دوره اسلامی و تحولات دوران معاصر، مخصوصاً انقلاب اسلامی است. مطمئناً اگر تصمیم گیران گروه یا مدیران جامعه ای خواهان برقراری عدالت باشند و بدانند با چه ابزار و عواملی می توانند احساس عدالت را به گروه و جامعه خود عطا کنند، بسیاری تصمیم های آن ها همسو با دلالت های اجتماعی و عینی عدالت خواهد بود و اگر احساس بی عدالتی در میان افراد شکل گیرد و به آن توجهی نشود، باعث احساس جدایی شهروندان از قدرت می شود (دارلی، ۲۰۰۱). البته، همزمانی وجود شاخص های مطلوب عدالت و احساس بی عدالتی در مردم، از مسائل پیچیده و قابل بررسی عرصه عدالت است که حتی در این مواقع نیز احساس بی عدالتی را باید بررسی کرد؛ حتی اگر به غلط برانگیخته شده باشد. نمی توان بدون رسیدگی، درباره اشتباه بودن یا موجه بودن این احساس نظر داد (سن، ۱۳۹۰). آنچه این تحقیق را ضرورت بخشیده است، عیان کردن احساس عدالت افراد و یافتن عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر این احساس است.

پیشینه تحقیق

یافته های تجربی میرسندهی در تحقیقی با موضوع «عوامل مؤثر بر درک مردم از عدالت و رابطه آن با برابری (نابرابری)» نشان دهنده گرایش مساوات طلبانه مردم در عرصه «فرصت ها» و «برخورد قانون با مردم» است؛ درحالی که این گرایش در عرصه احترام اجتماعی، تقریباً معادل توزیع طبیعی و در عرصه اقتصادی به عادلانه انگاشتن نابرابری تمایل

1. Darley

2. Amartya Kumar Sen

دارد. در مجموع، می‌توان این گرایش‌ها را منطقی ارزیابی کرد؛ یعنی درک مردم از این پدیده‌ها نسبتاً صحیح به نظر می‌رسد. بیشترین هم‌بستگی متغیرها بین میزان تحصیلات و درک عدالت است که در گرایش کلی شاخص عددی آن ۰/۲۴ است و در عرصه اقتصادی ۰/۲۴- است. ضریب تعیین مجموع متغیرهای مؤثر بر درک عدالت که در تحقیق وارد شده بودند، برابر با ۳۰ درصد است که از میان مجموع متغیرها سن و تحصیلات و منزلت شغلی امکان راهیابی به معادله رگرسیونی را یافته‌اند (میرسندهی، ۱۳۷۵).

رضاپور نیز در تحقیقی با موضوع «درک عدالت در میان جوانان» عنوان می‌کند که یکی از عوامل مؤثر بر درک عدالت در میان جوانان، معیارهای پذیرفته شده عدالت است. اگر ما فرضیه نظریه کنش متقابل نمادین را بپذیریم که براساس آن مفاهیم و معانی از طریق مذاکره اجتماعی به وجود آمده و انتقال یافته و تغییر می‌یابند، می‌توان نتیجه گرفت که برای شکل‌گیری و انتقال و تغییر معیارهای عدالت، باید زمینه‌های تعامل و تبادل افکار از طریق گروه‌های داوطلبانه در تمام ابعاد اجتماعی، فرهنگی، هنری، سیاسی و اقتصادی فراهم شود (رضاپور، ۱۳۷۵).

سیاهپوش با بررسی عوامل مؤثر بر نگرش دانشجویان به عدالت و آزادی نتیجه می‌گیرد از مسائل بسیار مهم در هر جامعه نگرش به مقوله‌های ارزشی همچون عدالت و آزادی است. در این تحقیق، نگرش به دو مقوله ارزشی عدالت و آزادی در جامعه، بررسی شده است (سیاهپوش، ۱۳۸۱).

باتمانی به بررسی رابطه احساس عدالت توزیعی و هویت ملی در بین جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال شهر تهران پرداخت و نشان داد که پایین‌ترین میزان احساس عدالت در بین جوانان مربوط به عدالت اقتصادی است. میان احساس عدالت سیاسی و منزلتی با هویت ملی رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد؛ اما احساس عدالت اقتصادی و فرهنگی رابطه معنی‌داری با هویت ملی ندارد. بین احساس عدالت در کل ابعاد و مشروعیت نظام سیاسی و همچنین مشروعیت نظام سیاسی و هویت ملی، رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد.

تحقیق یاد شده نشان می‌دهد که بین احساس عدالت توزیعی با هویت ملی جوانان، رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد (باتمانی، ۱۳۸۴).

صدیق سروستانی در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه نگرش شهروندان معمولی و نخبگان جامعه در مورد عدالت اجتماعی» بیان می‌کند که با وجود تأکید جامعه بر مفهوم عدالت و لزوم تحقق آن، کمتر به این مطلب پرداخته شده است که اصولاً شهروندان و نخبگان جامعه چه برداشت و ادراکی از این مفهوم دارند و بین درک آن‌ها چه میزان اشتراک و افتراق وجود دارد. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که ادراک شهروندان با هیچ یک از تعاریف مرور شده تطابق ندارد؛ بلکه سازه‌ای چند بعدی است و آنان احساس می‌کنند که دوران معاصر، عدالت در جامعه محقق نشده است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷).

یعقوبی درک ایرانیان را از عدالت، در چند زمینه توصیف و تحلیل می‌کند: احساس عدالت؛ پنداشت از عدالت یا انتخاب معیارهای عدالت؛ ارزیابی فاصله ثروتمندان و فقیران؛ نگرش درباره ساختار طبقاتی جامعه ایران. در بین نتایج این تحقیق، میانگین کلی شاخص احساس عدالت در میان کل پاسخ‌گویان ۲۷/۲۶ است که با توجه به حداکثر دامنه تغییرات ممکن برای این شاخص (۴۹) می‌توان گفت میزان احساس عدالت پاسخ‌گویان، کمی بیشتر از حد متوسط (۲۴/۵) است (یعقوبی، ۱۳۸۸).

هزارجریبی با بررسی احساس عدالت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن از طریق دو متغیر عدالت توزیعی و عدالت رویه‌ای، میزان احساس عدالت اجتماعی را سنجیده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که میزان احساس عدالت در بین ۴۰ درصد از پاسخ‌گویان در حد کم و خیلی کم و در مقابل بین ۱۱ درصد بالاست. در نهایت نیز ۴۹ درصد از پاسخ‌گویان میزان احساس عدالتی بینابین (متوسط) دارند. براساس مدل رگرسیونی، عوامل تبیین‌کننده رفاه، متغیرهای اعتماد به کارآیی مسئولان، دین‌داری، مقایسه خود با دیگران و احساس امنیت، تأثیر فزاینده بر میزان احساس عدالت در افراد دارند و متغیرهای احساس بیگانگی و منطقه مسکونی تأثیر کاهنده دارند (هزارجریبی، ۱۳۹۰).

پاهاکا^۱ در تحقیقی با عنوان «آزمون تئوری عدالت جهانی راولز»، این تئوری را در میان دانشجویان ۷ کشور جهان بررسی کرد. آنچه از این تحقیق به دست آمد، ارتباط تنگاتنگ فرهنگ هر کشور و حقوق و قوانین پذیرفته شده آنها بود. نتیجه این تحقیق، فرض حاکمیت حقوق لیبرال و پذیرش آن بر اساس اصل قراردادگرایی در عرصه بین‌المللی را زیر سؤال می‌برد (پاهاکا، ۲۰۰۱).

مبانی و چارچوب نظری تحقیق

نگاه به عدالت به مثابه امری بیرونی یا درونی، منشأ نوعی تقسیم‌بندی در بین نظریات عدالت است که دیدگاه نظری دو نماینده شاخص این جریانات، یعنی افلاطون و راولز، این تقسیم‌بندی را شفاف‌تر نشان می‌دهد. یونسی در مقاله «طرح برشی از عدالت در افلاطون و راولز» (۱۳۸۵) تصویر روشنی از تعابیر متفاوت عدالت در دیدگاه افلاطون و راولز به دست می‌دهد: افلاطون در مقابل برداشت بیرونی از عدالت که بر «منطق وضعیت»^۲ منطبق است و به جایگاه و وضعیت یا جا و مکان افراد و گروه‌ها، انسان‌ها، جوامع و... توجه دارد و همین‌طور، در باب رفتار و کنش و سخن و دعوی آنها با توجه به چگونگی وضعیتی که در آن واقع شده‌اند، برداشت «داخلی/ درونی» را از عدالت عرضه می‌کند. بر این اساس، مقوله‌ای درونی به نام نفس انسان باید محور بحث قرار گیرد. از نظر سقراط و افلاطون، عدالت کمال ذاتی و درونی نفس است و در هر صورت، این کمال باید تحقق یابد و قربانی تفسیر فردی و جمعی نشود. بر این اساس، افلاطون به دنبال علت و سرچشمه «بود» و نه صرفاً نشانه و علائم و «نمود»های هست‌ها و واقعیات عدالت است، گو آن‌که می‌داند نموده‌ها نیز وجود دارند؛ اما عدالت از نظر راولز در بنیاد خود به وضعی اولیه و متناسب و قراردادی اشاره دارد که افرادی عاقل و آزاد و انتخاب‌گر در آن حضور دارند و در خصوص اصول اولیه و از آن جمله اصول عدالت به توافق می‌رسند. بنابراین،

1. Puhakka

2. logic of situation

عدالت به طور اساسی اشاره به تحقق فرضی یا غیرفرضی واقعیتی بیرونی دارد که به مثابه بستر و قالب عمل می‌کند. البته باید گفت که این قالب بیرونی وضعیتی بی‌هویت و بی‌شکل نیست؛ بلکه مناسب و خاص و به تعبیری، منصفانه است؛ اما در عین حال توافقی نیز هست؛ یعنی بسیاری از اشخاص و افراد آزاد و انتخابگر در شکل‌گیری آن نقش دارند (یونسی، ۱۳۸۵).

در حوزه جامعه‌شناسی، گرچه جامعه‌شناسانی نظیر مارکس، وبر، آلکسی دوتوکویل^۱، امیل دورکیم^۲، ویلفردو پارتو^۳ و پیروان نظریه مبادله^۴، (هومنز، بلا، آدامز، والستر و دیگران) مباحثی در خصوص عدالت مطرح کرده‌اند، در میان جامعه‌شناسان کلاسیک، اغلب اوقات مفهوم عدالت در کانون توجه نبوده است. عدالت از جمله مفاهیم ارزشی و انتزاعی است و در جامعه‌شناسی کلاسیک که عمدتاً معطوف به واقعیت‌های بیرونی و عینی بوده، کمتر درباره مفاهیم ارزشی همچون عدالت بحث شده است. دلیل دیگر این توجه اندک، شاید اصرار بر جداسازی جامعه‌شناسی از علوم دیگر بوده است؛ کاری که دورکیم در حله اعلا به آن اهتمام ورزید و پس از وی تا مدت‌ها به مثابه سنتی جامعه‌شناختی محل تأکید قرار گرفت؛ اما در آثار نسبتاً جدید جامعه‌شناسی به عدالت و ادراک آن به طور جدی توجه شده است. جامعه‌شناسانی که در سطح خرد کار می‌کنند، در این بحث پایه‌گذار مطالعات جدیدی درباره درک عدالت بوده‌اند که کانون توجه روان‌شناسان اجتماعی نیز قرار گرفته است (میرسندسی، ۱۳۸۷). البته در این بین، تحلیل‌هایی درباره نظریه‌های جامعه‌شناختی و رابطه آن با عدالت بیان شده است، نظیر ارتباط نظریه گروه‌های مرجع مرئین و احساس عدالت توزیعی (جاسو^۵، ۲۰۰۰). با این حال، برای فهم بهتر تحول رویکرد نظری به مفهوم عدالت، در اینجا به طور خلاصه، به مهم‌ترین نظریه‌های ابراز شده در این زمینه اشاره می‌شود که اغلب در حوزه فلسفه سیاسی قرار می‌گیرند.

1. Alexis de Tocquevill
4. exchange theory

2. Emile Durkheim
5. Jasso

3. Vilferdo pareto

نظریه‌های عدالت

بررسی نظری موضوع عدالت از دیرباز مدنظر فلاسفه و متفکران بوده است که نمونه‌هایی برجسته از این دیدگاه‌ها در این مجال بیان می‌شود. افلاطون محتوای عدالت را امری واقعی و از حقایق عالم می‌داند (افلاطون، ۱۳۵۷).

از منظر ارسطو، چون هر فضیلتی حدمیانه دو رذیلت است که یکی افراط و دیگری تفریط است، در همه مصادیق عدالت (خاص) با پدیده رعایت حد وسط روبه‌رویم و شخص عادل، به طور دقیق، میانه دو حد رذیلت را رعایت کرده است (ارسطو، ۱۳۷۸).

ابن‌سینا نیز به پیروی از ارسطو، میانه‌روی در فعالیت‌های انسانی را ملاک عدالت می‌داند. میانه‌روی در شهوت را عفت گویند و میانه‌روی در غضب شجاعت است. میانه‌روی در عقل را نیز حکمت می‌نامند که همان حکمت عملی است و عدالت آن است که این سه فضیلت یعنی عفت و شجاعت و حکمت در یک جا جمع شود (موحد، ۱۳۸۴).

از نظر هیوم، عدالت در مواقعی موضوعیت می‌یابد که افراد احساس کنند برای توزیع مواهب و مطلوبیت‌ها نیازمند قوانینی هستند که چارچوب روابط آن‌ها را مشخص کند و قواعد و قوانین آن نیز چیزی جز توافق و قرارداد افراد جامعه نباشد (واعظی، ۱۳۸۸). اصل مرکزی نظریه عدالت کانت قانونی است که قانون عمومی عدالت نامیده می‌شود و در واقع، بیانی خاص از اصل بنیادین اخلاق است که اصل اخلاقی قانون عمومی خوانده می‌شود. این اصل می‌گوید: «فقط طبق قانونی عمل کن که براساس آن، تو در آن زمان بخواهی این قانون لزوماً قانونی عام برای همه افراد باشد» (واعظی، ۱۳۸۸).

از میان اندیشمندان لیبرالیسم کلاسیک، رابرت نوزیک^۱ ضمن رد نظریه‌های عدالت که به باز توزیع منابع و امکانات جامعه می‌انديشند، به شیوه به دست آوردن و انتقال اموال و دارایی‌ها نظر دارد (نوزیک، ۱۹۷۴). اگر آزادی خواهی نوزیک را لیبرالیسم متکی بر حقوق

1. Robert Nozick

طبیعی تفسیر کنیم، اختیارگرایی هایک^۱، لیبرالیسم متکی بر حکومت قانون^۲ است. دل‌مشغولی اصلی هایک به ویژه در اثر سه جلدی مشهورش، قانون و قانون‌گذاری و آزادی عدالت و اقتصاد سیاسی است. هایک، مفهوم محوری محل بحث این اثر را «نظم» می‌داند که آن را به دو دسته نظم خودجوش یا درون‌زا و نظم برون‌زا یا مصنوعی تقسیم می‌کند (هایک، ۱۳۸۰).

آمار تیا سن در مقام متفکر نولیبرال در حوزه عدالت، به این مقولات می‌پردازد: چیستی عدالت و تبیین آن مقدم بر چرایی و چگونگی آن؛ پیوند مقوله‌های توسعه و عدالت؛ انتقادات محکم و جدی به مطلوبیت‌گرایی و همچنین نهادگرایی راولزی؛ وضعیت‌های خاصی مانند وضعیت معلولان و رفع شکاف قابلیت آن‌ها؛ نشکستن سیاست‌های معطوف به ایجاد برابری اصول رقابت؛ توجه به حقوق انسانی، دموکراسی، توسعه و بسیاری موضوعات حوزه فلسفه سیاسی در کنار عدالت؛ بسط دادن مفهوم آزادی و این‌که اساساً در فضای آزاد و رفع عدم آزادی‌ها امکان رشد قابلیت‌های فردی فراهم می‌آید (سن، ۱۳۹۰).

مایکل والزر، با این تصور به شدت مخالف است که می‌توان با یک یا چند اصل عام و کلی، معیار و شاخصی برای توزیع عادلانه همه خیرها و مواهب اجتماعی برای همه جوامع در اختیار نهاد. والزر از نگاه تکثرگرایانه به عدالت حمایت می‌کند. براساس این نگاه، هر خیر اجتماعی معیار توزیع عادلانه خاص خود را دارد؛ بنابراین، نه تنها چیزی به نام اصل عام و بنیادین عدالت وجود ندارد؛ بلکه عدالت به وجهی آفریده جامعه سیاسی خاص در عصر خاص است. اهم مطالب والزر درباره عدالت از این قرار است: هویت جمعی و تفسیری و سیال خیرهای اجتماعی؛ رابطه ذاتی میان معنای خیر اجتماعی و معیار توزیع آن خیر؛ تکثرگرایی در اصول عدالت؛ برابری پیچیده به جای نظام توزیع بسیط؛ تحلیل عدالت اجتماعی برحسب اجزای آن؛ نسبی شدن عدالت برحسب معانی اجتماعی؛ جایگاه شهروندی در نظریه عدالت (والزر، ۱۳۸۹).

1. Fredrich Hayek

2. the rule of law

نظریه عدالت راولز

راولز (۱۹۲۱ تا ۲۰۰۲) مهم‌ترین اثرش، *نظریه عدالت* را در آغاز دهه هفتاد میلادی منتشر کرد. راولز دو رویکرد به مقوله عدالت دارد: رویکرد اخلاقی و رویکرد سیاسی. نظریه عدالت راولز که در این تحقیق بیان می‌شود، براساس عقاید راولز متقدم و رویکرد اخلاقی او به عدالت است.

راولز در *نظریه عدالت* (۱۹۷۱) برداشتی از عدالت مطرح کرد که آن را عدالت به مثابه انصاف می‌خواند. بر این اساس، معقول‌ترین اصول عدالت اصولی هستند که افراد در موقعیت‌های منصفانه درباره آن‌ها توافق داشته باشند و آن دسته از نابرابری‌ها در ثروت و درآمد را مجاز می‌شمارد که به نفع محروم‌ترین افراد باشد (راولز، ۱۳۸۳). او به تعریف و تحلیل مفهومی عدالت اعتقادی ندارد و مبتنی کردن بحث عدالت محتوایی بر تعریف خاصی از عدالت را گمراه کننده می‌داند و با توجه به استدلال‌هایش روش قراردادگرایی^۱ را برای تشخیص محتوای اصول عدالت پیشنهاد می‌کند. روش قراردادگرایی راولز، محتوای اصول عدالت را نتیجه و دستاورد توافق و قرارداد اجتماعی افرادی خاص در وضعیتی ویژه می‌داند که او آن را وضع نخستین و اصیل^۲ می‌نامد. به گمان وی، ایده وضع اصیل به جای تأکید بر تعریف و تلقی پیشین از عدالت، بر روش متمرکز می‌شود (واعظی، ۱۳۸۸).

از محورهای اساسی نظریه عدالت به مثابه انصاف راولز تأکید بر تقدم حق بر خیر است. بنابراین چیزی خوب و خیر است که سازگار و هماهنگ با اصولی (اصول عدالت) باشد که در وضع اصیل و بدون توجه به تفسیری ویژه از خیر و سعادت، بر آن توافق شده است. در عین حال، وی تصریح می‌کند که پیش تصوری از پاره‌ای خیرها، شرط ضروری وصول به محتوای عدالت اجتماعی است. او این مجموعه تصورات ضروری از خیرات را «خیرهای اولیه»^۳ می‌نامد و آن‌ها را چنین تعریف می‌کند: «خیرهای اولیه، اموری است که هراسان عاقلی در کنار چیزهای دیگری که می‌خواهد، آن‌ها را نیز می‌خواهد، گذشته از

1. contractivism

2. original position

3. primary goods

این که تفصیل طرح عقلانی او برای زندگی چه باشد» (واعظی، ۱۳۸۸).

راولز در بخش‌هایی از کتاب *نظریه عدالت*، از نمونه‌هایی مانند آزادی (انواع آزادی‌های فردی)، فرصت، ثروت و درآمد و احترام به خویش و کرامت نفس، به منزله نمونه‌هایی برجسته از خیرهای اولیه یاد می‌کند که همه انسان‌های عاقل ترجیح می‌دهند از آن‌ها بیشتر بهره بگیرند. از منظر راولز، همه خیرهای اجتماعی نخستین مثل آزادی، فرصت، درآمد و ثروت و پایه‌های عزت نفس، باید به نحو برابر توزیع شوند، مگر این که توزیع نابرابر هر خیری یا همه این خیرها به سود ناب‌خوردارترین‌ها باشد. راولز در اصل اول نظریه عدالت بر لزوم توزیع برابر «آزادی‌های اساسی»^۱ تأکید می‌کند. او در فهرست خود از آزادی‌های اساسی، نمونه‌هایی مانند آزادی وجدان، آزادی اندیشه، آزادی سیاسی و آزادی شخصی را برمی‌شمارد (راولز، ۱۳۸۷). نقطه تمایز تفکر او با سنت حاکم بر لیبرالیسم کلاسیک، در تقسیم‌بندی آزادی‌ها به اساسی و غیراساسی است. از نظر راولز، داشتن برخوردارانی برابر از آزادی‌های اساسی، شرط اصلی تحقق عدالت است؛ ولی براساس اصل دوم، امکان نابرابری در آزادی‌های غیراساسی وجود دارد. اصل دوم عدالت راولز که «اصل تمایز»^۲ یا تفاوت نام دارد، مایه امتیاز نظریه عدالت او از بسیاری نظریه‌های عدالت اجتماعی است و به طور خاص، قرائت او از لیبرالیسم را متفاوت با سنت رایج در تفکر لیبرالی قرار می‌دهد. راولز معتقد است، نظام توزیعی مبتنی بر آزادی طبیعی که در فضای بازار آزاد و رقابتی شکل می‌گیرد و افراد به‌کارگیری استعداد طبیعی و توانایی خویش و بهره‌گیری از فرصت‌ها به ثروت و درآمدهای متفاوت و نابرابر می‌رسند، اخلاقی و عادلانه نیست (واعظی، ۱۳۸۸). در این اصل، برابری فرصت‌ها و دسترسی برابر افراد به مناصب و موقعیت‌های سیاسی و اجتماعی، مقدم بر وجود نابرابری‌هایی است که ممکن است به نفع ناب‌خوردارترها باشد. راولز بر تقدم اصل اول بر دوم تأکید می‌کند: «این اصول بر پایه سامانی ترتیبی مرتب می‌شوند که براساس آن، اصل نخست پیش از اصل دوم قرار می‌گیرد. این سامان‌دهی به

1. basic liberties

2. difference principle

این معناست که فروگذاری نهادهای آزادی برابر را نمی‌توان به وسیله امتیازات اجتماعی و اقتصادی بیشتر توجیه یا جبران نمود» (راولز، ۱۳۸۷).

چارچوب نظری تحقیق

این تحقیق مبتنی بر نظریه عدالت راولز و دیدگاه او درباره زمینه‌های شکل‌گیری احساس عدالت است. راولز جدای از اصول عدالت که در آن متغیرهای آزادی‌های اساسی و فرصت‌های برابر و اصل تمایز را متغیرهای شکل دهنده موقعیت عادلانه معرفی می‌کند، متغیرهایی نظیر «پایگاه اجتماعی اقتصادی» که در بیان «وضعیت اصیل» یا «پرده جهل» مطرح می‌شود (راولز، ۱۳۸۷) و همچنین «محرومیت نسبی» (راولز، ۱۳۸۷) و «عزت نفس» (راولز، ۱۳۸۷) را در کتاب *نظریه عدالت*، عوامل مؤثر بر احساس عدالت بیان می‌کند. در این میان، با توجه به جنبه ارزشی مفهوم عدالت (آندراین، ۲۰۰۸) نقش متغیر «جهت‌گیری ارزشی» افراد نیز از عوامل مؤثر بر احساس عدالت مورد آزمون قرار گرفت.

مدل تحلیلی پژوهش

بر این اساس، برای بررسی میزان احساس عدالت و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن، متغیرهای زیر برای آزمون تجربی و بررسی روابط بین آن‌ها مطرح هستند:

۱. متغیرهای مستقل تحقیق عبارتند از: پایگاه اجتماعی اقتصادی، احساس محرومیت نسبی، عزت نفس و جهت‌گیری ارزشی افراد.
۲. متغیر وابسته همان احساس عدالت است که از مجموع متغیرهای مستقل تأثیر می‌پذیرد. با توجه به متغیرها، بررسی وجود رابطه بین پایگاه اجتماعی اقتصادی افراد، احساس عزت نفس، احساس محرومیت نسبی، جهت‌گیری ارزشی آنها و سن، جنسیت و وضعیت تأهل آنها با میزان احساس عدالت آن‌ها به منظور پاسخ به فرضیه‌های تحقیق انجام شد.

روش

تحقیق پیمایشی در جامعه آماری شهروندان مناطق ۲۲گانه شهر تهران انجام شد. با فرض جمعیت بیش از ۸ میلیون شهر تهران و این که احتمال خطای بود یا نبود عدالت ۰/۵ فرض می شود، با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه معادل ۳۸۴ نفر برآورد می شود که برای احراز خطای کمتر، ۴۲۸ نمونه برای تکمیل پرسش نامه ها در نظر گرفته شد. با استفاده از نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای (ساروخانی، ۱۳۸۹)، مناطق ۲۲گانه شهر تهران به مثابه خوشه ها در نظر گرفته شد و نمونه تحت بررسی در هر منطقه، متناسب با حجم جمعیت آن منطقه به طور تصادفی انتخاب شد.

برای سنجش متغیر وابسته «احساس عدالت» براساس نظریه جان راولز، اصول عدالت او مبنای تعریف است و اصل نخست، یعنی آزادی های اساسی برابر است. طبق اصل دوم، قرار است نابرابری های اجتماعی و اقتصادی به گونه ای سامان دهی شوند که دو ویژگی داشته باشند: الف. به نحو معقول انتظار رود به سود همگان باشند و ب. وابسته به مشاغل و مناصبی باشند که دسترسی به آنها برای همگان امکان پذیر است (راولز، ۱۳۸۷). ابعاد سه گانه احساس عدالت به این شرح تعریف می شود:

- الف. آزادی های اساسی: چهار بُعد و مؤلفه های آن در جدول (۱) نشان داده شده است.
- ب. فرصت های اجتماعی: سنجش متغیر فرصت های اجتماعی با استفاده از نظریات راولز (۱۳۸۷) و آمار تیاسن (نقل از راغفر، ۱۳۸۸) و جان رویمر (۱۳۸۲) با استفاده از ابعاد سه گانه دستیابی به «فرصت های آموزشی برابر» و «خدمات بهداشتی و درمانی برابر» و «مناصب و مشاغل برابر» صورت گرفت.
- ج. اصل تمایز: متغیر «اصل تمایز» یا «عدد تمایز» عددی است نشان دهنده انتظار دستیابی به ارزش های بنیادین جامعه از فرد پاسخ گو به پایین ترین فرد جامعه.
- متغیر مستقل «پایگاه اجتماعی اقتصادی» براساس شاخص اجتماعی اقتصادی (SEI) استاندارد دانکن با ابعاد درآمد و تحصیلات و وجهه شغلی سنجیده شد (میلر، ۱۳۸۰).

جدول ۱. ابعاد و مؤلفه‌های آزادی‌های اساسی

	آزادی عقیده	آزادی وجدان	آزادی‌های اساسی برابر
	آزادی تعقل و استدلال		
	آزادی اراده		
مطبوعات	رسانه‌ها	آزادی اندیشه	
صدا و سیما			
اینترنت			
	استقلال فکری	آزادی سیاسی	
	آموزش		
اتکا به آرای مردم	اصل مشارکت عمومی	آزادی سیاسی	
دسترسی برابر به مناصب عمومی			
محدودیت قانونی برابر			
آزادی احزاب			
استقلال مالی احزاب	مشارکت احزاب و انجمن‌ها	آزادی شخصی	
	آزادی اجتماعات		
	صیانت از حقوق انسانی		
	آزادی شغلی		
	محافظت از حیثیت، جان، مال و مسکن مردم	آزادی قضایی	
	آزادی قضایی		

سایر متغیرهای مستقل تحقیق، شامل عزت نفس و جهت‌گیری ارزشی و احساس محرومیت نسبی، با استفاده از پرسش‌نامه‌های استاندارد و تجربه شده در تحقیقات دیگران سنجیده شدند. برای سنجش عزت نفس از مقیاس ۳۵ گویه‌ای کوپر اسمیت استفاده شد که به ۲۰ سؤال تقلیل یافت. متغیر جهت‌گیری ارزشی با استفاده از گویه‌های ۱۰ گانه اینگلهارت سنجیده شد (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹). برای سنجش متغیر احساس محرومیت نسبی از مقیاسی استفاده شد که محمدحسین درویش ملا (۱۳۸۶) با مقیاس

لیکرت ساخته است. از این مقیاس ۱۳ گویه‌ای پس از تعدیل و اصلاح، ۹ سؤال برای سنجش میزان محرومیت نسبی انتخاب شد. برای تعیین اعتبار ابزار اندازه‌گیری این تحقیق، براساس روش اعتبار محتوا، ۶ نفر از استادان و فارغ‌التحصیلان جامعه‌شناسی پس از مطالعه پرسش‌نامه دیدگاه خود را اعلام کردند که پرسش‌نامه نهایی حاصل جمع‌بندی این نظرهاست. ضریب پایایی پرسش‌نامه این تحقیق نیز طبق روش آلفای کرونباخ ۰/۸۸۲ است و اجزای درونی مقیاس هم‌بستگی فراوانی با همدیگر دارند.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی براساس نتایج به دست آمده از اطلاعات گردآوری شده ۵۵/۴ درصد کل پاسخ‌گویان زن و ۴۴/۶ درصد مرد بودند. ۹/۶۳ درصد مردان و ۶۰/۳ درصد زنان مجرد و پراکندگی محل زندگی پاسخ‌گویان در شهر تهران به این شرح است: ۱۷/۰۶ درصد شمال، ۲۱/۹۷ درصد جنوب، ۲۷/۳۳ درصد شرق، ۱۳/۵۵ درصد غرب و ۲۰/۰۹ درصد مرکز. ۲/۳ درصد زیردیپلم، ۲۳/۶ درصد دیپلم، ۵۷/۷ درصد فوق دیپلم و لیسانس و ۱۶/۴ درصد فوق لیسانس و دکترا بودند.

توزیع پاسخ‌گویان برحسب رتبه پایگاه اجتماعی اقتصادی به شرح جدول ۱ است.

جدول ۱. توزیع پاسخ‌گویان برحسب رتبه‌بندی پایگاه اجتماعی اقتصادی

کل		زن		مرد		پایگاه اجتماعی اقتصادی
فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۲۹/۷	۱۲۷	۱۵/۷	۶۷	۱۴	۶۰	پایین: نمره ۸ و کمتر
۶۴/۳	۱۴۸	۱۸	۷۷	۱۶/۶	۷۱	متوسط رو به پایین: نمره ۹ و ۱۰
۸۰/۶	۷۰	۹/۸	۴۲	۶/۵	۲۸	متوسط رو به بالا: نمره ۱۱
۱۰۰	۸۳	۱۱/۹	۵۱	۷/۵	۳۲	بالا: نمره ۱۲ و بالاتر
	۴۲۸	۵۵/۴	۲۳۷	۴۴/۶	۱۹۱	جمع کل

توصیف احساس عدالت و تعیین نقش متغیرهای زمینه‌ای آن

کوشش شد که از طریق تحلیل و محاسبات آماری، ضمن توصیف متغیر وابسته (احساس عدالت) توزیع این متغیر برحسب متغیرهای زمینه‌ای بیان شود تا بدین ترتیب، نقش احتمالی ویژگی‌های اجتماعی اقتصادی شهروندان تهرانی در احساس عدالت روشن شود. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، سه متغیر آزادی‌های اساسی و فرصت‌های اجتماعی و عدد تمایز، میزان احساس عدالت را مشخص می‌کنند که در ادامه، یکایک آن‌ها برحسب متغیرهای زمینه‌ای تحلیل و توصیف شده است.

آزادی‌های اساسی

میانگین آزادی‌های اساسی در شرکت کنندگان ۵/۶۳ بود که بیشتر از حد متوسط شاخص (۴) است. هرچند میانگین آزادی‌های اساسی زنان بیشتر از مردان به دست آمد، این تفاوت معنی‌دار نیست ($p=0/695$). همچنین، آزادی‌های اساسی در میان گروه‌های سنی مختلف تفاوت معنی‌داری ندارد ($p=0/307$)؛ اما براساس مقادیر F و در مقدار $p=0/005$ تفاوت معنی‌داری در میزان آزادی‌های اساسی پاسخ‌گویان در مناطق مختلف تهران وجود دارد؛ میانگین آزادی‌های اساسی به تفکیک وضعیت تأهل پاسخ‌گویان تفاوت معنی‌داری نداشت ($p=0/434$). میانگین آزادی‌های اساسی افراد با تحصیلات مختلف، به طور معنی‌داری ($p<0/01$) متفاوت بود. میانگین آزادی‌های اساسی پاسخ‌گویان به تفکیک منزلت شغلی آن‌ها تفاوت معنی‌داری داشت ($p=0/028$). آزمون F نشان دهنده معنی‌داری ($p<0/01$) تفاوت میانگین‌های آزادی‌های اساسی پاسخ‌گویان به تفکیک سلسله مراتب درآمد بود. میانگین آزادی‌های اساسی در پاسخ‌گویان در پایگاه اجتماعی اقتصادی مختلف، به طور معنی‌داری ($p<0/01$) متفاوت به دست آمد. ضمناً ضریب اتا ($0/251$) وجود رابطه بین آزادی‌های اساسی و ابعاد آن را با پایگاه اجتماعی اقتصادی نشان می‌دهد. براساس آزمون توکی، می‌توان رتبه‌بندی میزان آزادی‌های اساسی از نظر پاسخ‌گویان برحسب سایر متغیرها را به شرح جدول ۲ بیان کرد.

جدول ۲. رتبه‌بندی میزان آزادی‌های اساسی پاسخ‌گویان برحسب سایر متغیرها

رتبه ۱	رتبه ۲	رتبه ۳	رتبه ۴	رتبه ۵	متغیر
جنوب	مرکز	شرق	غرب	شمال	محل سکونت
راهنمایی و متوسطه	نهضت و ابتدایی	دیپلم	فوق دیپلم و لیسانس	فوق لیسانس و دکتری	تحصیلات
پایین	متوسط	بالای بالا	پایین پایین	بالا	منزلت شغلی
پایین پایین	پایین	بالا	متوسط	بالای بالا	سلسله مراتب درآمد
پایین	متوسط رو به پایین	متوسط رو به بالا	بالا		پایگاه اجتماعی اقتصادی

فرصت‌های اجتماعی

میانگین فرصت‌های اجتماعی در میان کل پاسخ‌گویان ۲/۸۶ بود که بالاتر از حد متوسط شاخص (۲) است. هرچند میانگین فرصت‌های اجتماعی زنان بیشتر از مردان بود، این تفاوت معنی‌دار نیست ($p=0/429$). میانگین فرصت‌های اجتماعی برای گروه‌های سنی مختلف به طور معنی‌داری ($p<0/01$) متفاوت بود. میزان ضریب اتا ($Eta=0/283$) نشان می‌دهد که بین گروه سنی پاسخ‌گویان و فرصت‌های اجتماعی آن‌ها رابطه برقرار است و آزمون تاویبی نشان می‌دهد که این رابطه منفی است ($Tau-b = -0/205$). میزان فرصت‌های اجتماعی به تفکیک محل سکونت آن‌ها تفاوت معنی‌داری نداشت ($p=0/356$). میزان فرصت‌های اجتماعی براساس وضعیت تأهل به صورت معنی‌داری متفاوت بود. ضریب اتا ($Eta=0/199$) و ($p=0/00$) نیز وجود رابطه بین فرصت‌های اجتماعی و وضعیت تأهل شرکت‌کنندگان را نشان داد. میانگین فرصت‌های اجتماعی در میان پاسخ‌گویان با تحصیلات گوناگون تفاوت معنی‌داری ندارد. میزان فرصت‌های اجتماعی در پاسخ‌گویان با منزلت شغلی گوناگون، تفاوت معنی‌داری داشت ($p=0/018$). ضریب اتا ($Eta=0/167$) نیز وجود رابطه بین این دو متغیر را ثابت می‌کند. میانگین میزان فرصت‌های اجتماعی با سلسله مراتب درآمدی گوناگون تفاوت معنی‌داری نداشت ($p=0/556$). میانگین فرصت‌های اجتماعی با پایگاه اجتماعی اقتصادی

گوناگون به طور معنی داری ($p=0/023$) متفاوت به دست آمد. با توجه به ضریب اتا که برابر با $0/149$ است، ثابت می شود که احتمالاً بین این دو متغیر رابطه وجود دارد. براساس آزمون توکی، می توان رتبه بندی میزان فرصت های اجتماعی از نظر پاسخ گویان بر حسب سایر متغیرها را به شرح جدول ۳ بیان کرد.

جدول ۳. رتبه بندی میزان فرصت های اجتماعی پاسخ گویان بر حسب سایر متغیرها

رتبه ۱	رتبه ۲	رتبه ۳	رتبه ۴	رتبه ۵	رتبه ۶	متغیر
۲۰ سال و کمتر	۲۱ تا ۲۴ سال	۲۵ تا ۲۸ سال	۲۹ تا ۳۲ سال	۳۳ تا ۴۰ سال	۴۱ سال و بیشتر	گروه سنی
مجرد	متاهل	جدا شده				وضعیت تأهل
بالای بالا	بالا	پایین	متوسط	پایین پایین		منزلت شغلی
بالا	پایین	متوسط رو به پایین	متوسط رو به بالا			پایگاه اجتماعی اقتصادی

اصل تمایز

میانگین عدد تمایز در کل پاسخ گویان $2/303$ به دست آمد که بیشتر از حد متوسط شاخص ($2/335$) است. عدد تمایز در پاسخ گویان زن و مرد تفاوت معنی داری نداشت ($p=0/519$). عدد تمایز براساس گروه های سنی گوناگون، به طور معنی داری متفاوت بود ($p<0/01$)؛ اما آزمون هم بستگی کندال وجود رابطه را تأیید نکرد ($p=0/712$). میانگین عدد تمایز بر حسب محل سکونت به طور معنی داری ($p<0/01$) متفاوت بود و براساس $Eta=0/323$ بین این دو متغیر رابطه وجود دارد؛ اما چون در آزمون هم بستگی تاو کندال، مقدار p پذیرفتنی به دست نیامد ($p=0/886$)، بنابراین بین این دو متغیر هم بستگی معنی داری وجود نداشت. میانگین اصل تمایز بر حسب وضعیت تأهل پاسخ گویان تفاوت معنی داری نشان نداد ($p=0/078$). عدد تمایز در پاسخ گویان با تحصیلات گوناگون به طور معنی داری ($p<0/01$) متفاوت بود. ضریب اتا برابر $0/442$ نیز حاکی از رابطه بین عدد تمایز و تحصیلات بود. عدد تمایز در بین پاسخ گویان با منزلت شغلی گوناگون تفاوت

معنی داری داشت ($p < 0/01$). ضریب اتا نشان دهنده وجود رابطه میان این دو متغیر است. میانگین عدد تمایز در بین پاسخ‌گویانی که در سلسله مراتب درآمدی مختلف هستند به طور معنی داری متفاوت بود ($p < 0/01$). ضریب اتا نیز نشان دهنده وجود رابطه بین این دو متغیر است. عدد تمایز در افراد دارای پایگاه اجتماعی اقتصادی گوناگون، به طور معنی داری ($p < 0/01$) متفاوت بود. ضریب اتا نیز نشان دهنده وجود رابطه بین این دو متغیر است ($Eta = 0/656$). براساس آزمون توکی، می‌توان رتبه‌بندی عدد تمایز از نظر پاسخ‌گویان برحسب سایر متغیرها را به شرح جدول ۴ بیان کرد.

جدول ۴. رتبه‌بندی اصل تمایز پاسخ‌گویان برحسب سایر متغیرها

رتبه ۱	رتبه ۲	رتبه ۳	رتبه ۴	رتبه ۵	متغیر
نهضت و ابتدایی	راهنمایی و متوسطه	دیپلم	فوق دیپلم و لیسانس	فوق لیسانس و دکترا	تحصیلات
پایین	پایین پایین	متوسط	بالا	بالای بالا	منزلت شغلی
پایین پایین	پایین	متوسط	بالا	بالای بالا	سلسله مراتب درآمد
پایین	متوسط رو به پایین	متوسط رو به بالا	بالا		پایگاه اجتماعی اقتصادی

در صورت پاسخ‌گویی به همه سؤالات مربوط به متغیر احساس عدالت، حداقل نمره‌ای که فردی می‌تواند دریافت کند، ۳/۳۳ است که نشان دهنده پایین‌ترین مقدار احساس عدالت و حداکثر نمره ۲۰ است که نشان دهنده بالاترین میزان احساس عدالت است. حد متوسط شاخص برابر است با ۸/۳۳۵. میانگین احساس عدالت در میان کل پاسخ‌گویان ۱۰/۷۹۶ بود که بیشتر از حد متوسط شاخص (۸/۳۳۵) است.

نتایج تبیینی

جدول ۵. آزمون فرضیه‌های تحقیق

شدت	سطح معنی‌داری	نوع آزمون	فرضیه
$Tau-b = -۰/۳۲۸/۰$	$< ۰/۰۱$	تاو-بی	بین پایگاه اجتماعی اقتصادی افراد و میزان احساس عدالت آن‌ها رابطه وجود دارد
$r = -۰/۱۵۶$	$< ۰/۰۰۱$	پیرسون	بین احساس عزت نفس و میزان احساس عدالت رابطه وجود دارد
$r = -۰/۳۸۷$	$< ۰/۰۱$	پیرسون	بین احساس محرومیت نسبی و میزان احساس عدالت رابطه وجود دارد
$r = ۰/۴۳۷$	$< ۰/۰۱$	پیرسون	بین جهت‌گیری ارزشی افراد و میزان احساس عدالت رابطه وجود دارد

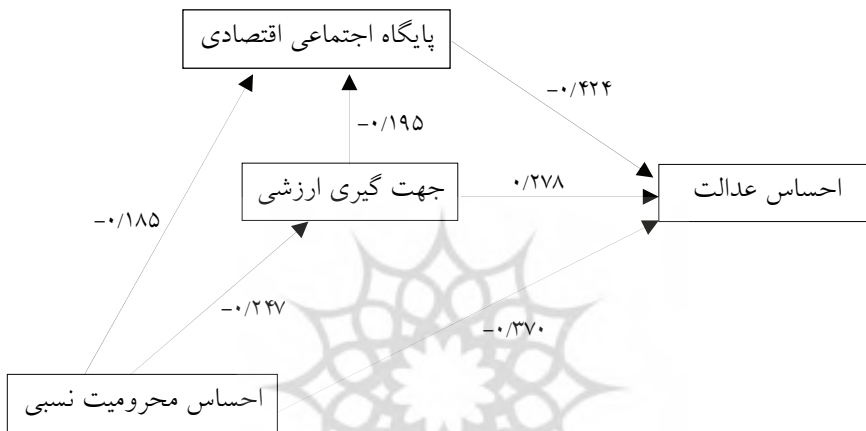
رگرسیون چند متغیره: ضریب هم‌بستگی چندگانه برابر با $R = ۰/۶۶۵$ به دست آمد، این مقدار نشان دهنده شدت رابطه متغیرهای مستقل و وابسته (متوسط رو به بالا) است. همچنین $R^2 = ۰/۴۳۷$ (تعدیل شده) که برای برآورد میزان کارایی مدل استفاده می‌شود (منصورفر، ۱۳۸۷)، نشان دهنده این است که سه متغیر احساس محرومیت نسبی و پایگاه اجتماعی اقتصادی و جهت‌گیری ارزشی $۴۳/۷$ درصد از تغییرات میزان احساس عدالت را تبیین می‌کنند و $۳/۵۶$ درصد مربوط به عوامل دیگر است. با توجه به ضرایب رگرسیونی (B) می‌توان معادله رگرسیونی عوامل مؤثر بر احساس عدالت را این گونه بیان کرد:

احساس عدالت =

$۱۱/۱۹۴ +$ جهت‌گیری ارزشی ($۰/۱۱۳$) $+$ پایگاه اجتماعی اقتصادی ($-۰/۶۸۹$) $+$ احساس محرومیت نسبی ($-۰/۱۲۲$)

تحلیل مسیر (مدل علی)

هدف از تحلیل مسیر، آزمون مدل تحلیلی تحقیق است و در حقیقت، مدل تحلیل مسیر برآیند چارچوب نظری تحقیق است. تحلیل مسیر مشخص می‌کند که هر متغیر مستقل تا چه حد، به طور مستقیم و غیرمستقیم، بر متغیر وابسته اثر دارد. با توجه به مطالب پیشین، می‌توان نمودار کامل تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر احساس عدالت را به شکل زیر ترسیم کرد:



شکل ۱. تحلیل مسیر عوامل مستقیم و غیرمستقیم مؤثر بر احساس عدالت

با استفاده از نمودار تحلیل مسیر فوق می‌توان میزان اثر مستقیم و غیرمستقیم و همچنین اثر علی کلی متغیرها بر متغیر احساس عدالت را به این شرح بیان کرد:

جدول ۶. آثار علی متغیرهای پیش‌بین بر احساس عدالت

نام متغیر	مستقیم	غیرمستقیم	کلی	ضریب تعیین (R ^۲)
احساس عدالت	-	-	-	۰/۴۳۷
پایگاه اجتماعی اقتصادی	-۰/۴۲۴	۰	-۰/۴۲۴	-
احساس محرومیت نسبی	-۰/۳۷۰	-۰/۰۱۱	-۰/۳۸۱	-
جهت‌گیری ارزشی	۰/۲۷۸	-۰/۰۸۳	۰/۳۶۱	-

بحث

با توجه به مقدمات و اصول نظریه عدالت راولز، این تحقیق به آزمون تجربی این نظریه در شهر تهران پرداخت. براساس تأکیدات راولز، جامعه بسامان آن است که اول، هرکس می‌داند و می‌پذیرد که دیگران نیز همچون او همان اصول عدالت را پذیرفته‌اند و دوم، نهادهای اجتماعی پایه همه این اصول را رعایت می‌کنند و باور مردم هم این است که نهادها به آن اصول پایبندند (منصورفر، ۱۳۸۷). میزان باور و پذیرش شهروندان تهرانی از اجرای اصول عدالت به اختصار «احساس عدالت» نامیده می‌شود. مؤلفه‌های احساس عدالت در این تحقیق عبارت‌بود از آزادی‌های اساسی، فرصت‌های اجتماعی و عدد تمایز. براساس تأکیدات راولز، رعایت ترتیب و شروط موجود در تعریف عدالت و اصول آن ضروری است. بنابراین برای رعایت این ترتیب‌های ضروری و از طرفی برای به دست آوردن عددهای مقایسه‌پذیر برای هر یک از شهروندان، به هر یک از متغیرهای موجود در تعریف راولز از عدالت، متناسب با میزان تأکید او، ضریبی داده شد. به این ترتیب، برای متغیر آزادی‌های اساسی برابر که شرط اساسی عدالت است، ضریب ۲ و برای دو متغیر دیگر، یعنی فرصت‌های اجتماعی و اصل تمایز ضریب ۱ در نظر گرفته شد. بر این اساس، اگر حداکثر میزان احساس عدالت عدد ۲۰ باشد، حداکثر نمره آزادی‌های اساسی برابر عدد ۱۰، فرصت‌های اجتماعی معادل ۵ و عدد تمایز نیز معادل ۵ است. داده‌های تحقیق نشان می‌دهد که میانگین هر یک از این متغیرها عبارت است از: احساس عدالت ۱۰/۷۹۶، آزادی‌های اساسی ۵/۶۳، فرصت‌های اجتماعی ۲/۸۶، عدد تمایز ۲/۳. این اعداد نشان می‌دهند که میانگین‌های جامعه تقریباً با اعداد مفروض اولیه متناسب هستند.

این نتایج تقریباً با نتایج تحقیق یعقوبی و هزارجریبی یکسان است. در تحقیق یعقوبی با عنوان «درک ایرانیان از عدالت» میزان احساس عدالت پاسخ‌گویان کمی بیشتر از حد متوسط است (یعقوبی، ۱۳۸۸). یافته‌های تحقیق هزارجریبی نشان می‌دهد ۴۹ درصد شرکت‌کنندگان میزان احساس عدالتی بینابین (متوسط) دارند (هزارجریبی، ۱۳۹۰).

هرچه میزان پایگاه اجتماعی اقتصادی افراد افزایش می‌یابد، میزان احساس عدالت آن‌ها کمتر می‌شود. به عبارتی، افراد در خانواده‌های مرفه‌تر و باسوادتر و در جایگاه شغلی عالی‌تر کمتر احساس عدالت می‌کنند. بیشترین عامل این تناسب، متغیر آزادی‌های اساسی و عدد تمایز است که هر دو رابطه‌ای منفی با پایگاه اجتماعی اقتصادی دارند. از ویژگی‌های اساسی نظریه عدالت راولز تعیین اصول عدالت در وضعیت نخستین یا اصیل است. در این وضعیت، لازم است عوامل زمینه‌ای همچون پایگاه اجتماعی و اقتصادی افراد یکسان باشد یا از لحاظ ذهنی هیچ تأثیری بر انتخاب افراد نداشته باشد. این مطلب همچنین در راستای اصل اخلاقی قانون عمومی کانت است: «فقط طبق قانونی عمل کن که براساس آن، تو در آن زمان بخواهی این قانون لزوماً قانونی عام برای همه افراد باشد».

وجود رابطه بین پایگاه اجتماعی اقتصادی افراد و میزان احساس عدالت در این تحقیق، پیش‌فرض راولز را ثابت می‌کند؛ یعنی اگر قرار است اصول عدالت مطابق قراردادی عمومی شکل گیرد، برای برقراری احساس عدالتی متوازن در جامعه لازم است همه افراد، فارغ از پایگاه اجتماعی اقتصادی، این مقدمات و اصول و نحوه اجرای آن را بپذیرند.

از بین متغیرهایی که فرضیه ارتباط آن‌ها با احساس عدالت آزمایش شد، «جهت‌گیری ارزشی» بیشترین هم‌بستگی را با احساس عدالت داشت. این هم‌بستگی نشان می‌دهد هرچه جهت‌گیری ارزشی افراد به سمت ارزش‌های سنتی و بقا سوق می‌یابد، با افزایش میزان احساس عدالت در آن‌ها همراه است و کسانی که بیشتر متمایل به ارزش‌های سکولار عقلانی و ابراز وجود هستند، کمتر احساس عدالت می‌کنند. وجود رابطه بین جهت‌گیری ارزشی افراد و احساس عدالت تأیید کننده تحقیق پاهاکا (۲۰۰۱) و اندراین (۲۰۰۸) در وهله اول رابطه تنگاتنگ اصول عدالت با فرهنگ‌ها و ارزش‌های گوناگون، تأیید شده و از طرفی، نوع ارزش‌های انتخابی افراد و جامعه را با میزان احساس عدالت آن‌ها مرتبط می‌کند.

احساس محرومیت نسبی نیز هم‌بستگی معنی‌داری با احساس عدالت داشت. بر این اساس، می‌توان گفت افرادی که در زندگی بیشتر احساس محرومیت و فقدان امکانات

و مواهب مختلف دارند، کمتر احساس عدالت می‌کنند یا براساس نتیجه تحقیق هزارجریبی (۱۳۹۰) افراد در مقایسه وضعیت خود با دیگران هر چقدر احساس مثبتی کنند، میزان احساس عدالت آن‌ها بیشتر است.

رابطه بین احساس عدالت و عزت نفس معنی‌دار ولی ضعیف بود. در معادله رگرسیونی تحقیق نیز مشاهده شد که متغیر احساس عدالت جایگاه تعیین‌کننده‌ای در عوامل مؤثر بر احساس عدالت ندارد.

مقدمات نظریه عدالت راولز و مفروضات ذکر شده در چارچوب نظری تحقیق، مبنی بر رابطه احساس عدالت با متغیرهای احساس محرومیت نسبی و پایگاه اجتماعی اقتصادی و جهت‌گیری ارزشی، در تحقیقات عملی و تجربی برای وضعیتی که شهروندان تهرانی در آن قرار دارند، تاحدودی صادق است.



- ارسطو (۱۳۷۸)، اخلاق نیکوماخوس (ترجمه محمدحسن لطفی)، تهران، طرح نو.
- اصیل، ح. (۱۳۸۱)، آرمان‌شهر در اندیشه ایرانی، تهران، نشر نی.
- افلاطون. (۱۳۵۷)، مجموعه آثار (ترجمه محمدحسین لطفی)، تهران، خوارزمی.
- اینگلهارت، ر. وولزل، ک. (۱۳۸۹)، نوسازی تغییر فرهنگی و دموکراسی (ترجمه یعقوب احمدی)، تهران، کویر.
- باتمانی، ل. (۱۳۸۴)، رابطه میان احساس عدالت توزیعی و هویت ملی در بین جوانان ۱۸ تا ۲۹ سال شهر تهران، تهران، دانشگاه الزهراء، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- بیرو، آ. (۱۳۷۵)، فرهنگ علوم اجتماعی (ترجمه باقر ساروخانی)، تهران، انتشارات کیهان.
- درویش ملا، م. (۱۳۸۶)، رویکرد روان‌شناختی اجتماعی به محرومیت نسبی: مطالعه موردی جوانان شهر تهران، تهران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- راغفر، ح. (۱۳۸۸)، دولت، فساد و فرصت‌های اجتماعی، تهران، انتشارات نقش و نگار.
- راولز، ج. (۱۳۸۳)، عدالت به مثابه انصاف (ترجمه عرفان ثابتی)، تهران، ققنوس.
- راولز، ج. (۱۳۸۷)، نظریه عدالت (ترجمه محمدکمال سروریان و مرتضی بحرانی)، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- رجایی، ف. (۱۳۷۳)، معركة جهان‌بینی‌ها، تهران، احیاء.
- رضایپور، ا. (۱۳۷۵)، درک عدالت در میان جوانان، تهران، دانشگاه شهیدبهبشتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- رویمر، ج. (۱۳۸۲)، برابری فرصت (ترجمه محمدخضری)، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ساروخانی، ب. (۱۳۸۹)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سن، آ. (۱۳۹۰)، اندیشه عدالت (ترجمه وحید محمودی و هرمز همایون‌پور)، تهران، کندوکاو.
- سیاهپوش، ا. (۱۳۸۱)، عوامل مؤثر بر نگرش دانشجویان به عدالت و آزادی،

- تهران، دانشگاه تربیت مدرس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- صدیق سروستانی رحمت اله (پاییز ۱۳۸۷)، مقایسه نگرش شهروندان معمولی و نخبگان جامعه در مورد عدالت اجتماعی، نامه علوم اجتماعی.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۸۷)، حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی یا گامی به سوی عدالت، نقل از: <http://smr.mihanblog.com/post/archive/1387/8>
- معیدفر، س. (زمستان ۱۳۷۹)، مسئله اجتماعی و مسئله دینی، فصلنامه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم، زمستان، ش ۱۲
- منصورفر، ک. (۱۳۸۷)، روش‌های پیشرفته آماری، تهران، دانشگاه تهران.
- میرسندهی، م. (۱۳۷۵)، عوامل مؤثر بر درک مردم از عدالت و رابطه آن با برابری (نابرابری)، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- میرسندهی، م. (۱۳۸۷)، چشم‌انداز جامعه‌شناسی به عدالت، تهران، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- میلر، د. (۱۳۸۰)، راهنمای سنجش و تحقیقات اجتماعی (ترجمه هوشنگ ناییبی)، تهران، نشرنی.
- موحد، م. (۱۳۸۴)، در هوای حق و عدالت؛ از حقوق طبیعی تا حقوق بشر، تهران، نشر کارنامه.
- والزر، م. (۱۳۸۹)، عرصه‌های عدالت (ترجمه صالح نجفی)، تهران، ثالث.
- واعظی، ا. (۱۳۸۴)، جان‌الز؛ از نظریه عدالت تا لیبرالیسم سیاسی، قم، بوستان کتاب.
- واعظی، ا. (۱۳۸۸)، نقد و بررسی نظریه‌های عدالت، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- هایک، ف. (۱۳۸۰)، قانون و قانون‌گذاری و آزادی (گزارش جدیدی از اصول آزادی خواهانه عدالت و اقتصاد سیاسی)، (ترجمه مهشید معیری و موسی غنی‌نژاد)، تهران، انتشارات طرح نو.
- هزار جریبی، ج. (پاییز ۱۳۹۰) بررسی احساس عدالت اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن، جامعه‌شناسی کاربردی، ش ۴۳.
- یعقوبی، د. (۱۳۸۸)، درک ایرانیان از عدالت، تهران، جامعه‌شناسان.
- یونسی، م. (بهار و تابستان ۱۳۸۵)، طرح برشی از عدالت در افلاطون و رالز، پژوهش علوم سیاسی، ش ۲.

- Andrain,C,2008, *Political Justice and Religious Values*, New York: Routledge.
- Darley,J.M,2001, *Citizens' Sense of Justice and the Legal System*, *Current Directions in Psychological Science*, Vol. 10, No. 1 (Feb., 2001), pp. 10-13.
- Jasso,G,2000, *Some of Robert K. Merton's Contributions to Justice Theory*, *Sociological Theory*, Vol. 18, No. 2 (Jul., 2000), pp. 331-339.
- Mikula,G,2001, *Justice: Social Psychological Perspectives*, *International encyclopedia of the social & behavioral sciences*, Elsevier Ltd, Pages 8063-806.
- Nozick, R,1974, *Anarchy State and Utopia*, New York: Basic Books.
- Puhakka,A,2001, *A Study of Rawls' Theory of International Justice*, Master's Thesis, University of Joensuu Faculty of Social Sciences Department of Social Policy.
- Rawls, J, 1971, *a Theory of Justice*, oxford: oxford university press.
- Andrain,C. (2008), *Political Justice and Religious Values*, New York: Routledge.
- Darley, JM.(2001), *Citizens' Sense of Justice and the Legal System*, *Current Directions in Psychological Science*, Vol. 10, No. 1 (Feb., 2001), pp. 10-13.
- Jasso,G. (2000), *Some of Robert K. Merton's Contributions to Justice Theory*, *Sociological Theory*, Vol. 18, No. 2 (Jul., 2000), pp. 331-339.
- Mikula,G. (2001), *Justice: Social Psychological Perspectives*, *International encyclopedia of the social & behavioral sciences*, Elsevier Ltd, Pages 8063-8067.
- Nozick, R. (1974), *Anarchy State and Utopia*,New York: Basic Books.
- Puhakka,A. (2001), *A Study of Rawls' Theory of International Justice*, Master's Thesis, University of Joensuu Faculty of Social Sciences Department of Social Policy.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی